

قراردادهای پایاپای

کلمه پایاپای که از طرف فرهنگستان بجای کلمه تهاتر (Clearing Compensation) استعمال شده در اصطلاح حقوقی بمعنی پا به پا کردن دو وام از یکدیگر میباشد. مثلاً اگر حسن یکهزار ریال به احمد مدیون باشد و احمد پانصد ریال به حسن مدیون گردد، حسن قانوناً میتواند بجای آنکه یکهزار ریال وام خود را با احمد داده سپس پانصد ریال طلب خود را مطالبه نماید، پانصد ریال بابت طلب از بدهی خود کسر نموده بقیه پانصد ریال را بدهد.

ترتیب و اجرای تهاتر در امور حقوقی بموجب قانون مدنی معین گردیده و خارج از بحث فعلی ما میباشد، لکن پایاپای در اصطلاح اقتصادی ترتیبی است که بموجب آن کشورها در انتقالات بین‌المللی خود بجای آنکه در مقابل مبادلات تجارتنی و یا سایر مطالبات و دیون ذات‌البین وجوهی به یکدیگر انتقال دهند موافقت مینمایند مطالبات هر یک از طرفین از طرف دیگر از محل وجوهی که بدهکاران هر طرف در حساب مخصوص میریزند پرداخت شود. پس ایجاد یک مؤسسه مخصوص برای پرداختها و نگاهداری حساب در کشوری که پرداخت وجوه بین آن دو بر اساس پایاپای قرار گرفته ضرورت خواهد داشت. مؤسسه ای که عهده دار انجام پرداختهای تهاتری و نگاهداری حسابها میگردد ممکن است بر حسب تراضی دو کشور بانک یا مؤسسه جدید التاسیسی که منحصرأ وظیفه دار پرداختهای تهاتری گردد باشد، چنانچه در تاریخ ۳۰ اکتبر ۱۹۳۵ که برای اولین دفعه قرارداد پایاپای بین ایران و آلمان منعقد شد بین دولتین چنین مقرره شد که پرداختها و امور مربوط به پایاپای بترتیب معینه در قرارداد توسط بانکملی ایران انجام شود و تا موقع تشکیل و بکار افتادن مؤسسه تهاتر وظایفی که بعهده مؤسسه مزبور خواهد بود بانکملی ایران انجام دهد.

از تعریف پایاپای فهمیده میشود که منظور از اتخاذ این ترتیب در کشورها برای جلوگیری خروج ارز از کشور و حصول موازنه تجارتنی در پرداختهای متقابله است. پس اصول پایاپای رابطه کاملی با مقررات مربوطه محدودیت های ارزی دارد و در حقیقت زائیده و حد تکامل این مقررات است زیرا البته شکی نیست که این قبیل محدودیتها که دائره دخالت و نظارت دولت را در امور اقتصادی کشور وسعت میدهد در نتیجه نابهبودی اوضاع اقتصادی وضع مالی و پولی یک کشور میباشد و چنانچه بتاریخ اقتصادی کشور هائیکه بالاخره اصول پایاپای را پایه معاملات خود قرار داده اند مراجعه شود بخوبی ملاحظه خواهد شد که برای تداوی اوضاع نامطلوب تجارتنی و اقتصادی خود و جلوگیری از اختلال موازنه تجارتنی ابتدا بایجاد سدهای گمرکی و سپس سهمیه بندی کالاهای وارداتی و بالاخره بمحدودیتهای ارزی پرداخته اند؛ لکن این اصول بهیچوجه کافی نبوده و علاج در درازا نینموده چون بالاخره این اقدامات در

عین حال برای ورود کالاهای مورد احتیاج مواعی تولید مینموده و رفته رفته منجر بقطع رابطه تجارته و تضییق بازار داخلی میگردد زیرا چنانچه هر کشوری بخواهد بتهائی فروشنده بوده و از خرید کالا خودداری نماید ناچار کشورهای دیگر نیز عمل متقابل خواهند نمود و نتیجه این میشود که روابط تجارته بین المللی محدود یا مسدود گردد و حال آنکه تصور چنین امری محال است یعنی هیچ کشوری هر چند هم که از حیث مواد اولیه غنی و ثروتمند باشد باز هم بتهائی قادر بزیست نخواهد بود چونکه احتیاجات متفاوت است و موقعیت جغرافیائی در هر مکان متغیر و همین امر است که احتیاجات بین المللی را ثابت و برقرار میدارد. بنابر این هر کشور برای بقا و حیات اقتصادی خود محتاج بداشتن رابطه تجارته با کشورهای دیگر خواهد بود و کشورهاییکه مصالح اقتصادی خود را در این میدانستند که واردات و صادرات و کلیه پرداخت های ارزی کشور را تحت نظارت گرفته و ضمناً مبادلات تجارته را با سایر کشورها ادامه دهند با اتخاذ ترتیب پایابای موفق گردیده اند که باین منظور برستند.

وضع تجارت خارجی ایران در حین انعقاد قرارداد پایابای

در آبانماه سال ۱۳۱۴ که قرارداد پایابای بادولت آلمان بسته شد تجارت خارجی ایران بدو ترتیب اجرا میگردد: یک ترتیب طبق قرار داد ایران و شوروی و ترتیب دیگر طبق قانون انحصار تجارت خارجی مورخه ۱۶ تیر ماه ۱۳۱۱ در آن تاریخ هیچگونه محدودیتی برای ارز درین نبود. خرید و فروش ارز آزاد و واردات در حدود سهمیه های سالیانه صورت میگرفت؛ لیکن چند ماهی از تاریخ انعقاد قرارداد پایابای نگذشته دولت برای جلوگیری از خروج ارز بخارج و تثبیت پول و موازنه تجارته بر قراری محدودیت های ارزی را لازم شمرد و در نتیجه در تاریخ اسفند ۱۳۱۴ بموجب قانون راجع بمعاملات ارزهای خارجی خرید و فروش و واگذاری هر نوع معامله دیگر مربوط بارز خارجی و بیرون بردن ارز از ایران موکول با اجازه دولت گردید، باین ترتیب از ابتدای سال ۱۳۱۵ تا زمان حاضر تجارت خارجی بر اساس اصول ذیل اجرا میشود.

الف - تجارت ایران و شوروی طبق قرار دادهای مورخ ۱۹۳۱ و ۱۹۳۵ و ۱۹۴۱.

ب - تجارت ایران با آلمان بر اساس قرار داد پایابای مورخ ۱۳۱۴.

ج - تجارت ایران با سایر کشورهای طبق قانون انحصار تجارت خارجی و قانون راجع بمعاملات ارزهای خارجی.

چون بحث ما مربوط بیابابای میباشد لذا از اشاره بسایر قسمتها خود داری می نمائیم فقط در قسمت از مقررات ارزی که تا حدی ارتباط با امور پایابای دارد مختصراً اشاره خواهیم نمود.

اصول قرارداد های پایابای

از ترتیبی که راجع پرداخت های پایابای ذکر شد معلوم گردید که مطالبات و بهای کالاها بدون تسعیر و انتقال از یک کشور بکشور دیگر از محل پرداخت هائیکه دیان هر طرف بمؤسسه تهاتری میردازند پرداخته میشود اجرای این ترتیب فوق العاده ساده بوده و هیچگونه بیچیدگی ندارد چنانچه بموجب قرار داد تهاتر بین ایران و آلمان کلیه اشخاصی که در ایران باشخاص مقیم آلمان بدهی دارند بدهی خود را بیانگلی ایران میردازند بانگلی ایران از محل این وجوه مطالبات اشخاصی را که در ایران هستند و از مقیم آلمان طلبکارند طبق حوالجائی که صندوق پایابای آلمان میدهد

میرازد. بهین ترتیب صندوق تهاتر آلمان نیز متقابلاً عمل مینماید. لذا در هر کشور باید يك مؤسسه برای ارتباط بین طلبکاران و بدهکاران و تصفیه محاسبات آنان وجود داشته باشد و اگر رابطه که بین طلبکاران و بدهکاران با این مؤسسه موجود است بشکل مثلثی ترسیم شود قرار داد پایایی عبارت از خط رابطی خواهد بود که روش این دو مثلث را که در هر يك از دو کشور اجرای وظیفه مینماید مرتبط میسازد. در نتیجه دستگاه ترازوی بدست میآید که موازنه تجارتي و ارزی بین دو کشور را نشان میدهد. در حقیقت در تشبیه قرار داد پایایی ترازو کزاف گوئی نشده است زیرا بالاخره بین دو کشوری که روابط تجارتي بر قرار است هر يك از طرفین نسبت بطرف دیگر بدهکاران و طلبکارانی دارند لکن چون این اشخاص بایکدیگر ارتباط نداشته و هر يك بحساب خود عمل مینمایند بنا بر این بوسیله ایجاد ترتیب پایایی کلیه محاسبات هر طرف در يك کفه که عبارت است از صندوق تهاتر باشد ریخته میشود و نتیجه سبک سنگینی کفه های طرفین وضعیت محاسبه را روشن میسازد.

این جریان دورانی وجوهات در يك کشور از دست بدهکاران بصندوق تهاتر و از صندوق بدست طلبکاران تا زمانی که مبادلات تجارتي بین دو کشور بطور اعتدال ادامه داشته باشد دور و تسلسل مییابد و مدار آن بر اساس مقررات قرار داد تهاتری مستقر میشود. حال سیر انتظامی این دایره عبارت آخری مرتب بودن پرداخت ها بسته باین خواهد بود که بین وجوهی که بدهکاران هر يك از دو طرف میپردازند معادله باشد والا با کمترین اختلافی پرداخت ها از حالت نظم و ترتیب خارج خواهد شد لذا برای تنظیم جریان پرداخت های پایایی دو شرط لازم خواهد بود یکی آنکه در صادرات و واردات طرفین وقفه رخ نداده و متعادل باشد دیگر اینکه خرید و فروش کالا های طرفین در دوره های مرتب و منظمی صورت گیرد متأسفانه حصول این دو شرط بندرت ممکن است اتفاق بیافتد زیرا صادرات هر کشور تابع عوامل طبیعی و شرایط اقتصادی آن کشور است خصوصاً در کشورهای فلاحتی معمولاً دوره و فصل صادرات بعد از بدست آمدن محصول میباشد و هر محصول نیز فصل معین دارد و حال آنکه صادرات کشورهای صنعتی برخلاف تابع فصل نمی باشد نتیجه این میشود که صادرات محصول های فلاحتی برخلاف محصولات صنعتی تدریجاً صادر نشده در يك فصل بمقادیر زیاد و در فصل های دیگر بمقدار خیلی جزئی صادر میگردد در صورتیکه محصولات صنعتی همواره در تمام فصول ممکن است بشبک معینی و بمیزان تقاضا و سفارشاتش که میرسد صادر گردد.

علاوه بر امور نامبرده موضوع دیگری که اصولاً از ابتدای انعقاد قرارداد، تعادل پرداختها را مختل میسازد تصفیه دیون معوقه راجع بمعاملات انجام یافته قبل از بستن قرار داد میباشد. موضوع دیون معوقه منحصر امر بوط بقرارداد پایایی نبوده بلکه یکی از مسائلی است که همیشه بعد از برقراری کنترل ارزی یکی از ستونهای بدهی بودجه ارزی کشورها را تشکیل میدهد و لازم میآید مقداری از ارزهایی که بعداً عاید کشور میگردد بمصرف تصفیه آنها برسد خلاصه بجهاتی که اشاره شد کمتر و بندرت اتفاق می افتد که در پرداختهای صندوق تهاتر موازنه باشد.

آیا منظور از موازنه چیست؟ بدیهی است منظور از موازنه تساوی در مقدار کالاهای صادره طرفین بیکدیگر نمی باشد چون موازنه بایستی از روی واحد معینی که بین طرفین پذیرفته میشود تعیین گردد و تعیین يك چنین واحدی در مقادیر کالاهای متنوع و معاملات نا محدود مشکل و بلکه غیر مقدور

میباشد. بنابراین موازنه باید در بهاء و ارزش کالاهائیکه هر یک از طرفین بدیگری تحویل میدهند برقرار شود؛ در حالیکه مأخذ ارزش کالا هائی که معمولاً يك کشور از کشور دیگر وارد میکند با ارزش کالاهائیکه متقابلاً تحویل میدهد متحد نمی باشد بلکه بهای کالاهادر هر کشور نظر بمقررات داخلی آن کشور برای ترویج صادرات یا محدودیت واردات مصنوعاً بالا پائین میروند. بنا براین بالفرض که مابین وجوه پرداختی و دریافتی صندوق پایابای موازنه باشد يك چنین موازنه حقیقی نبوده و دلیل این نخواهد بود که واقعاً دو کشور متقابلاً در معاملات که بایکدیگر نموده اند متساویاً بهره ور گردیده اند.

بدیهی است موازنه در میزان واردات و صادرات ملازمه با موازنه در وجوه پرداختی بصندوق پایابای نخواهد داشت چه آنکه معمولاً کالاها بعد از صدور و فروش بهای آن بصندوق پرداخت میشود و از این نقطه نظر چنانچه موسسات تهاتر باعتبار کالاهائیکه صادر گردیده مبادرت با اجازه ورود کالا دهند ممکن است بغوریت نتوانند بهای آنها را بعلت نافرورش مانندن کالاها و ریخته نشدن بهاء آن بصندوق و بالاخره بجهت کسر موجودی بپردازند.

نبودن موازنه در پرداختها موجب حصول وقفه در پرداخت وجوه یکی از طرفین میگردد. اگر عدم موازنه از جهت افزایش واردات باشد وارد کنندگان (بدهکاران) دیرتر موفق بپرداخت دین خود خواهند گردید و اگر از جهت افزایش صادرات باشد صادر کنندگان (طلبکاران) دیرتر موفق بدریافت بهای کالا موفق خواهند شد.

از طرف دیگر چنانچه در پرداختها هم تعادل کامل باشد پرداختهای طرفین به تائی صورت خواهد گرفت و جریان تجارتمی از حال عادی خود خارج خواهد گردید زیرا در این حال بدهکاران و طلبکاران در يك زمان و يك حال باید منتظر پرداختهای طرفین باشد تا بپولشان برسند مثلاً. اگر فرض شود بمیزانی که از ایران کالا صادر و بصندوق پایابای آلمان وجه پرداخت شده بمیزان کالا از آلمان و وجه آن بیانگلی ایران پرداخت شده باشد نتیجه این میشود که این پولها بایکدیگر پایه پاشود یعنی در صندوق پایابای وجهی موجود نباشد بنابراین پرداخت وجوه صادرات بعدی بایستی موکول به پرداخت واردات بعدی گردد و تا وقتی که وارداتی نشود صادر کنندگان به پول خود نرسند و چون این امر برخلاف اصل تجارت یعنی دوران مبادلات تجارتمی بوده و بدینجهت نامطلوب میباشد. برای تعدیل این وضعیت در قراردادهای پایابای مقررات و موافقت هائی بعمل می آید که در صورت چنین اتفاقی از اینوقفه که در پرداختها حاصل میشود جلوگیری نمایند. معمولاً در موادی که بین واردات و صادرات طرفین متقابلاً معادله باشد برای آنکه از وقفه موقتی جلوگیری شود طرفین بیکدیگر مبلغی اعتبار میدهند که از آن محل بپردازند تا بعد از محل وجوهی که بابت صادرات بعدی بصندوق پرداخت میشود برگشت شود. (ناتمام)